

بعد از باران کردن ما همین در آن نقطه خارج از منطقه علامت مستقیم را نگاه کردم و آنجا
کوچه در نزدیکی میدان بیست و چهار را دیدم و وارد یک کوچه آریزها و عبور و مدارحط خیابان
آریزها و وارد یک کوچه در سمت شمال غربی میدان بیست و چهار را ساختم و همین کوچه
خیابان باهله است و در مسیر خروجی دارد که یکی از آنها وارد خیابان فرصت میشود و دیگری
وارد خیابان جلالزاده داخل این کوچه محل علامت بود من بعد از آن علامت مستقیم
گرفتم که وارد خیابان جلالزاده بشوم در حدود سی متر که داخل کوچه بیستم تا گلیان
متوجه شدم که سه نفر بطرف من می آیند که یکی از آنها کوتاه زوریده بود و در جلو حرکت
میکرد و نفر دیگر هم بلاجله یک متری او دست راست و چپ او حرکت میکردند و نفر جلوی بلا
- حله سه متری من که رسید سلام کردند من هم گفتم سلام علیکم و صورت او خیره شدم و کلاه
فکر میکردم که این فرد را کجا دیده ام در همین فکر بودم که او بلاجله یک متری من رسید
و گفت ما پلیس هستیم و دستهای طرفی که سلاح رفتن را جلو بسته بود و باهاش رو آن
را ایستاده کرده بود من قبضه سلاح او را گرفتم و بلاجله قبل از اینکه سلاح بکشد (او جلوه
- خارج کند) سلاح کفیم و طرف سینه اش نشانه گرفتم و بطور عکس العمل بدون اینکه
لحظه ای فکر کنم ماشه را کفیم او در سه قسم عقب رفت و روی زمین افتاد و دیگری که در
سمت راست و چپ او بودند سلاح کفیدند و طرف من شلیک نمودند من هم بروی صورت
بمسوی صورت نفر شلیک کردم و در حالیکه روی آنها آتش میکردم عقب عقب میرفتم در حالیکه
حدائق بدنم مقابل آنها بود یعنی بحالت تهنیت مقابل گلوله های آنها بودم و عقب نشینی
میکردم بعد از سه ثانیه متوجه شدم که یکی از آنها با روی سمت چپش را گرفت و با حالت
دره در چهره اش وجود دارد که بعد از فکر کردم ممکن است با او شلیک کرده باشد آنها
بعد از آنکه پنج تا شلیک تیر عقب نشینی کردند روی زمین خوابیدند و خوابیده بطرف من

برای پاره‌ای که کرده عن بعد از وسط کوبه ای که در هر رات آنها پودم (در تمام
این مدح روی آنها آتش می‌کند و شب نشین می‌کند) وارد کوبه دیگری که صورت پر
سیر شب نشین بود عنم و لا کلامه غصاب را چنان کرده و غصاب گذاری کردم پس از اول
سیری که وارد شده بودم وارد خیابان آرزوهای عنم و چون حدس می‌زدیم که در قلع
کوبه سیر به آرزوهای دوباره در کرب عن اسلح نام را هر کس که هم اسلح نام اجا
اعتقد باشد هم سیر به نام او آن اعتقاد که آرزوهای را قطع کردم و وارد کوبه مکه
در مسجدهای خیابان آرزوهای عنم و بعد از دو سه کوبه قطع دو سه خیابان وارد
خیابان سامان عنم و جلوی یک خانه را گرفتیم که هم می‌شدان مرا به قصد پیمان او هم هر
کجا که مرا برد در موقعیک پیاده عنم چهار تومان با او تمام به معنی بطریق اطلاق
توانیم رفتی را که برایش علامت زده بودیم پیدا کنیم یا رفته شد که در علامت نبود که
این کار بطریق اطلاق و تمام یک ساعت بعد از درگیری اطلاق انگاه اگر اطلاق به آن
رفتیم نرسیدیم امکان داشت و این کرد یا شبید شود بعد از درگیری من خودم را چاه
کرم و شب به پایگاه رفتم با تحلیل که از صبح درگیری نرسیدیم به این نتیجه رسیدیم که
به ما نرسیده اند و اگر دشمن به ما نرسید دلیل تعدادی که با این درگیری
بر پایه گذاشتیم که بریم ما نرسیدیم یا در وقت سکونیت آوردن ما نرسیدیم را به پیاده گرفت
آن رفتی بکار اوطراف کوبه ای که ما نرسیدیم در آن بود زود دید که داخل کوبه به چه
ما نرسیدیم که به این نتیجه رسیدیم که اگر ساواک در خانه های این کوبه مسخر بود
به ما نرسیدیم که به ما نرسیدیم داخل کوبه پای کند آن رفتی شب ساعت
با نرسیدیم که شب ما نرسیدیم که اگر مسئله ای پیش آید بتواند او را استفاده کند رفتی
و نرسیدیم را آورد و من قبول داد . بعد از رفتی او که او را نرسیدیم به نرسیدیم که
نرسیدیم که من آن را زود ام (فرمانده عملیات) مدتی روایت که در حالت پیرش است

و در کمرها گت آید که او خواهد مرد و آید بی زنده بودن نمی نیست در ضمن بعد از درگیری
من بیک دایره مشوک می شوند که با لوله رگ می بندد یا آن دایره در بیمارستان بستری
است .

انتهای های واردین

۱ - با وجود اینکه سه نفری را داخل کچه دیدم ولی ذهن نگرفت که آنها ساواکی هستند
و هنوز به این فکر بودم فردی که بمن سلام کرد کی است او را کجا دیده ام فکر نمی کردم که
ساواکیها داخل کچه هم بیایند همیشه این تصور را اجامت که گتتها داخل کچه
خیابانهای اصلی حرکت میکنند در ضمن محل علامت خوب نبوده و من به این موضوع کم
بها داده ام .

۲ - سرروضم ناچار بود که مشاوری ناروی و وهام ناروی بود احتمال دارد که سر
وضع ناچار من در مشوک عدن گتتها نسبت بمن ناچار دامت باعد ماست .
علت درگیری (احتمالات)

احتمالات یکی از موارد هر باعث درگیری شده است

۱ - وقتی خیابان آیزنهاور را قطع کردم با توجه به سرروضم ناروی بمن مشوک شده اند
در این صورت بایستی ما همین گتی در اطراف بیست و چهار ایستاد مشغول چاک کردن افراد
بوده باشند که وقتی من رده می شدم بمن مشوک شده اند و چون میدانستند کچه ای که
من وارد آن شده ام یکجا بستم مشود از انتهای کچه من راجه کرده اند و وقتی من بطرف
جنابا راه حرکت کرده ام بطرف آمده اند اخیرا گتتهایم که سر کچه ای که به جنابا راه
وارد مشود مرکز ساواکه است .

۲ - احتمال دارد وقتی خودم راجه کرده ام آنها متوجه حرکت من شده اند و همین سکه
باعث مشوکیت شده است .

۲ - در نزدیکی محل قرار یک کوسه تهن وجود دارد که من از آن تهن یک حبه بل
یک محل تهن زده ام شاید تهن آن محل کهرل بوده و از آنجا به تهن صوری
و در نتیجه به محل حرکت من برده اند و گوی ما با توجه به کرم من حدت زده اند
که من همان فردی باشم که خطای میگردند .

۱ - با توجه به اینکه سرگرمی من به دانشگاه نزدیک است و پلیس بوده و
گفتهها در اطراف مرکز ساواک منتشر بوده اند (بلاطر حاطط اطراف مرکز ساواک) و من
اتفاق بطور آنها بخورده ام .

۵ - ممکن است شروع زدن علامت من یا آن را زدن را دیده اند یا اینکه علامتهای ما که روی
یک نفر بوده دیده شده و از این طریق متوجه پلیس شده است .

نتیج حاصل از سرگرمی

امکان سرقت حتی به مقدار خیلی کم وقتی امکان پذیر است که ماری دشمن آهن کیم و
در تمام آهن ساخته مان عقب تکیه کم یعنی بد دشمن حله کم اگر دشمن را بد دشمن
بکم امکان گشته شدن خیلی زیاد است بعد از این هر .

الف - دشمن روحیه اش با آ خورد و حالتی تهریب نواز میدهد .

ب - اگر روی دشمن آهن نباید او بتواند دخی نشانه گیری کند و از اینرو اما آهن ک
روی دشمن باشد تهریب شدت گیری او ضعیف میشود چون بشکرت سلاح و دنیا میدهد و از اینرو
تعرض .

پ - وقتی بطرف دشمن آهن کیم (تعرض) است میشود روحیه اش را از دست داده و دنبال
مانند و با پراحتی بتوانم قرار کیم .

ج - اگر روی دشمن آهن کیم و از آنجا بزنم دشمن دستهایش شده و سعی میکند که
دشمن خودشان را به بیچارگان برساند و از دنبال کردن ما دست بردارد در اینجا اگر

بتوانیم فریبند، آنها را بزنیم ایده آنی است .

۱ - از نحوه تعقیب گشتها به این نتیجه برسیم که یکی از تاکتیکهای دشمن برای تعقیب
چک کردن مانژ کوهه هارستاک بصیر دید دارند بنابراین ما نباید بصرفه اینکه عیبمان
را درنگ میکنیم خوش خیال شویم که تحت تعقیب نیستیم بلکه باید هم عیبمان را چک کنیم هم
عیبمان خروجی را هم سر کوهه های که بصیر عیبمان است .

۲ - از درگیری دشمن مشخص است که وقتی باه چک درگیر شوند روی زمین می خوابند و
خوابیده برانندازی میکنند بعد از لیل اول اکثر درگیریها این قرار میگیرد تا لیل بهتر میمانند
هدف گیری کنند .

۳ - اگر اول کوهه خارج عوم وارد یک خوابان یا کوهه دیگر عیبمون و وصل به قرار عیبمون
بهر استعاضای عیبمون سیری که رفت ایم برگردیم چون قبل این سیر را باها که کرده ایم و دشمن
عیبمان که آنها را هم یکجا برسد .

خیابان ساسان

سیریش

میدان آذوقه است

مدیریت نیروها (مفتاح)

خیابان گدیزناده

سیریش

خیابان جهانزاده

ایستگاه سوارکار

تغییر علامت

میدان آذوقه

خیابان فرست

خیابان دولت

